انترناسیونال 453

یاشار سهندی

صفحه بازتاب هفته

جنبشی که مهجور نماند

بعد از انتشار ترانه "نقی" شاهین نجفی و صدور حکم ارتداد و واجب شمرده شدن قتل او از "سوی فقیه و مرجع تقلید شیعیان" یعنی صافی گلپایگانی، موجی از خشم و نفرت به حق علیه حکومت اسلامی براه افتاد. بسیاری که ادعای "مدنیت و مدرنیته" داشتند ساکت ماندند به امید اینکه انشااله گربه باشد! تا شاید خطر از بیخ گوش "اسلام عزیز" بگذرد. اما موج ضد مذهبی که براه افتاده بود چنان قدرتمند بود که مجبور شدند به آن بپردازند. اما چگونه؟ باید طرفی که فتوای قتلش صادر شده بود مورد مواخذه قرار میگرفت که چرا سیخ توی لانه زنبور میکند و به مقدسات توهین میکند. طرفی هم که فتوای ارتداد صادر کرده بود مورد شماتت قرار میگرفت اگر ساکت بودید این ترانه "مهجور" میماند و اصلا کسی روحش خبردار نمیشد که همچین ترانه ای و اساسا شاهین نجفی هم وجود دارد.

این رهنمود را بی بی سی داد و دیگران هم خوب گرفتند که چکار کنند و سعی بسیار کردند و میکنند که موضوع را به سطح توهین تقلیل دهند و طرفی که حکم الهی مرگش به واسطه یک ترانه صادر شده است محکوم کنند که "عرف جامعه در خصوص مقدسات را رعایت نکرده است، مشکل آفرین است. ...همچنین چون باعث آلام و درد و رنج مومنان و شیعیان معتقد شده است به لحاظ اخلاقی نیز ایراد و اشکال دارد." و دیگر اینکه "شخصیت و جایگاه امام نقی آنقدر ضعیف نیست که با یک ترانه طنز و یا غیر محترمانه متزلزل شود. این اعتقادات ریشه های چند صد ساله دارد."( علیرضا افشار) یکی دیگر از جنس افشار "مخالفان افراطی مذهب" را هم کاسه صادر کنند گان حکم قتل و مجریان آن میشمارد: "اتفاقی که این روزها در قالب دعوای آهنگ شاهین نجفی و مبلغان و پیگیران ارتداد و قتل وی برجسته شده، بیش از هر چیز واجد ملاحظات پرخطری برای دغدغه‌داران ایران است." (مرتضی کاظمیان) اگر اولی صدور فتوای ارتداد و قتل را محکوم میکند این دومی فضا را مناسب نمی یابد وگرنه آن کسانی را که "مخالفان افراطی جمهوری اسلامی" مینامید رسما محکوم میکرد چنانکه تلویحا در نوشته خود میکند. به تدریج کسانی دیگر هم پیدا شدند که کوشش کردند تا مسئله را به توهین و انواع توهین و توهین در شیعه تنزل دهند و کسانی هم مدعی شدند اینها دام جمهوری اسلامی است چون خود ایشان به سایت صافی گلپایگانی مراجعه کرده و اصلا فتوای قتلی ندیده اند و مدعی شدند اینها همه نتیجه کار خبرگزاری فارس است. بعد هم که معلوم آیت الله صافی نبوده که حکم قتل داده  بلکه مکارم شیرازی این فتوا را داده است! این ادعاها را جناب میبدی در تلویزیون پارس کرد و از میهمان خود جناب حسن داعی تایید هم گرفت. رضا پهلوی هم سکوتش را شکست و رسما مجبور گردید که صدور فتوای قتل شاهین نجفی را جلو چشم "هم میهنان عزیز" محکوم کند وایشان تاکید کرد "مرز میان دیندار و دین بازی" مغشوش است تا "هم احترام دگر اندیشان و هم روحانیون محفوظ بماند." از همه جالبتر انعکاس خبر در رادیو زمانه است ایشان بعد از اعلام رسمی صدورفتوای ارتداد شاهین نجفی توسط مکارم شیرازی (برای آنها که میگفتند آیت الله صافی یک حکم عمومی صادر کرده است!!) تاکید میکند "بر پایه  قوانین ایران" این یعنی مرگ. شاهد هستیم کسانی که "دغدغه داران ایران" هستند برای اینکه اسلام عزیز را از مهلکه بدر ببرند حاضرند "نام مقدس ایران" که از مقدس ترین نامها در نزد ایشان است را لکه دار کنند. چرا که ایران را سربلند میخواهند اما ترجیحا اسلام مقدس تر است.

کوشش عظیمی میشود که آیت الله ها از فتوای جنایتباری که صادر کردند مبرا شوند. سعی فراوانی بکار برده میشود که دین اسلام را نجات دهند. این همه تلاش نه برای اینکه اعتقادات چند صد ساله مردم است بلکه برای این است دین و مذهب را لازم دارند، ابزار کارشان است وسیله تحمیق و شکنجه شان است. سلاحی است که با آن تحت عنوان عرف جامعه و مقدسات میشود جلو خیلی از آزادی ها را گرفت و سود سرمایه را تضمین کرد. مرز میان دین داری و دین بازی مغشوش نشده است بلکه دین به عنوان یک ابزار تحمیق، شکنجه و جنایت دارد از سوی جامعه به کناری زده میشود. ترانه "نقی" انعکاسی از این وضعیت است. در این میان اما حزب کمونیست کارگری وجود دارد که نگذاشته این جنبش "مهجور" بماند، پرچم آنرا بلند کرده است و دین مداران را وادار کرده که بر خلاف میلشان به ساحت مقدس مراجع تقلید "جسارت" کنند و فتوای ارتداد را محکوم کنند. این حرکت "دین مداران" را آزار میدهد.